سیاست و مجلس
آخرین کوپه قطار خالی ۴
قوه ناتمام ۵

سیاست بین‌الملل
آمریکا در مسیر اسرائیل ۶
محاکمه سرباز آمریکایی در عراق .. ۷

سیاست بین‌الملل
فقط با کشت کوکا از گرسنگی نمی‌میرند ۸
پوکر خطرناک کره شمالی ۹

نهادهای مدنی
رای دادگاه آمریکا سیاسی است .. ۱۰

در دیدار لاریجانی و سولانا مطرح می‌شود

پیشنهادهای ایران در مقابل بسته پیشنهادی غرب

گروه سیاسی، آزاده افتخاری: وزرای خارجه پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان هفته آینده با هدف بررسی واکنش ایران به مجموعه مشوق‌های پیشنهادی غرب تشکیل جلسه می‌دهند. آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان در بیانیه پایانی نشست گروه هشت در مسکو اعلام کردند: چهارشنبه فرصت نهایی ایران برای پاسخگویی است. اما نیکولاس برنز نفر سوم وزارت امور خارجه آمریکا با اشاره به نشست ۱۲ جولای (۲۱ تیر) وزرای خارجه گروه ۱+۵ می‌گوید: در صورتی که تهران تا برگزاری این نشست پاسخ نهایی خود را اعلام نکند، دولت بوش اقداماتی را در چارچوب شورای امنیت دنبال خواهد کرد. معاون وزیر امور خارجه آمریکا می‌گوید: این تاریخ بسیار مهم است، زیرا کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا با همتایان خود ملاقات می‌کند. هر چند برنز به محل این نشست اشاره نمی‌کند، اما برخی دیپلمات‌ها می‌گویند: نشست وزرای خارجه شش قدرت بزرگ جهان در پاریس برگزار می‌شود. در حالی که مقامات ایرانی صراحتاً اعلام کرده‌اند برای پاسخگویی به مجموعه پیشنهادی غرب با هدف تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی عجله ندارند و محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران اواخر مردادماه را زمان احتمالی پاسخگویی کشورش اعلام کرده است، برنز ادعا می‌کند در صورتی که ایران تا چهارشنبه هفته آینده پاسخ ندهد با فشار جوامع بین‌المللی مواجه خواهد شد. معاون سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا افزود: ما باید نتیجه‌گیری و احتمالاً از برخی اقدامات شورای امنیت استفاده کنیم، زیرا ایران پنج هفته برای پاسخگویی به مجموعه‌ای که در واقع اول جولای (۱۱ خرداد) ارائه شده فرصت داشته است. این در حالی است که مجموعه مشوق‌های سیاسی و اقتصادی غرب همزمان با سفر ۱۶ خرداد خاویر سولانا رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا به تهران در اختیار مقامات ایرانی قرار گرفت و از آن پس دولت تهران اعلام کرد به هیچ ضرب‌الاجلی پاسخی شتابزده ارائه نخواهد داد. در حالی که برنز از اجماع نظر گروه ۱+۵ در خصوص لزوم پاسخگویی سریع ایران سخن می‌گوید، روسیه و چین دو عضو کلیدی شورای امنیت به روشنی اعلام کرده‌اند که با افزایش فشار بر ایران و اعمال تحریم‌های شورای امنیت مخالفت می‌کند. برنز ادعا می‌کند: ایران دو راه پیش‌رو دارد؛ راه عقلانی و مذاکره با کشورها در خصوص این مسائل یا راه مواجهه با اقدام شورای امنیت. با این حال معاون سیاسی وزیر امور خارجه آمریکا از اشاره به پیامدهای احتمالی شورای امنیت برای ایران خودداری کرد و گفت: تا زمانی که ایران پاسخ ندهد، لزومی ندارد به این سئوال حساس پاسخ بدهیم. خبرگزاری آسوشیتدپرس با اشاره به خبرهایی مبنی بر احتمال مذاکره ایران و آمریکا در خصوص مسائل عراق به نقل از برنز می‌نویسد: ما زمانی در این زمینه مذاکره می‌کنیم که منافعمان ایجاب کند. وی افزود: ایالات متحده و شرکایش به طرح «مذاکره برای مذاکره» علاقه‌مند نبوده و تا زمانی که تهران تمامی شروط تعلیق کامل فعالیت‌های غنی‌سازی را اجرا نکند، واشینگتن با تهران پای میز مصالحه نمی‌نشیند. برنز گفت: اکنون دولت بوش بر مسئله هسته‌ای متمرکز است و ابتدا می‌خواهیم در این زمینه پاسخ ایران را دریافت کنیم.

■ **نشست بروکسل**

دیپلمات‌های نزدیک به روند مذاکرات ۱+۵ با اشاره به نشست امروز (چهارشنبه) خاویر سولانا و علی لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول مذاکرات هسته‌ای ایران می‌گویند: اروپائیان در این نشست این نکته را یادآور می‌شوند که زمان در حال سپری شدن است. یک دیپلمات اروپایی می‌گوید: سولانا در بروکسل لاریجانی را به تعلیق هرچه سریع‌تر فعالیت‌های غنی‌سازی و آغاز مذاکرات ترغیب می‌کند. کریستینا گالاچ سخنگوی خاویر سولانا می‌گوید: «ما به دنبال پاسخ رسمی ایران هستیم.» اما یک مقام اروپایی با دید واقع‌گرایانه‌تری در تشریح نشست لاریجانی و سولانا می‌گوید: «احتمالاً لاریجانی سئوالاتی مطرح می‌کند و در مقابل بسته پیشنهادی غرب، مجموعه‌ای ارائه خواهد داد.» دیپلمات‌ها می‌گویند: در این صورت سولانا از لاریجانی درخواست می‌کند که ایران تا چهارشنبه آتی شرایط بسته پیشنهادی غرب را بپذیرد. یک دیپلمات دیگر می‌گوید: «در صورتی که ایران تا زمان تعیین شده پاسخ نهایی خود را اعلام نکند، وزرای خارجه ۱+۵ مذاکرات خود را در چارچوب شورای امنیت از سر می‌گیرند.» این مذاکرات ۱۳ اردیبهشت ماه به دنبال ابتکار عمل اروپائیان برای ارائه مجموعه مشوق‌ها به ایران متوقف شد. خبرگزاری نووستی به نقل از محمد سعیدی معاون سازمان انرژی اتمی ایران گزارش می‌دهد که لاریجانی و سولانا در نشست امروز درخصوص موارد نامعین مجموعه پیشنهادی غرب مذاکره خواهند کرد. سعیدی می‌گوید: مذاکره بهترین راه‌حل مسئله هسته‌ای ایران است. حمیدرضا آصفی سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز با اشاره به ابهامات ایران در زمینه بسته ۱+۵ می‌گوید: ما در این نشست ابهامات را مطرح می‌کنیم و احتمالاً سولانا نیز مباحثی را در این خصوص مطرح خواهد کرد.

■ **موضع روسیه و چین**

با وجود آنکه مسکو و پکن طی سه سال گذشته همواره با پیوستن به جبهه غرب با هدف اعمال تحریم علیه ایران مخالفت کرده‌اند، خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از برخی دیپلمات‌ها می‌نویسد: موضع روسیه و چین تا حدودی به مواضع غرب نزدیک‌تر شده است. یک مقام اروپایی نیز می‌گوید: روسیه و چین قصد دارند به عنوان نشانه‌ای از اتحاد با غرب هیاتی از مقامات عالی‌رتبه را برای شرکت در نشست لاریجانی و سولانا به بروکسل بفرستند. یک دیپلمات غربی با اشاره به تلاش تهران برای به تعویق انداختن زمان پاسخگویی تا اواخر مردادماه می‌گوید: این یک روش برای پاسخ به مجموعه در زمانی پس از برگزاری اجلاس گروه هشت در سن‌پترزبورگ است که ۲۴ تیرماه برگزار می‌شود. وی می‌افزاید: قبل از برپایی این اجلاس آمریکا و متحدانش در شورای امنیت که همه از اعضای گروه هشت کشور صنعتی جهان هستند می‌توانند روسیه را برای پیوستن به جبهه غرب علیه ایران تحت فشار قرار دهند. اما پس از برگزاری نشست سن‌پترزبورگ فشارها تعدیل خواهد شد و این کاهش فشار به نفع ایران و مواضع روسیه در قبال این کشور خواهد بود. خبرگزاری رویترز می‌نویسد: در حالی که سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه از ایران می‌خواهد هرچه سریع‌تر به مجموعه پیشنهادی غرب پاسخ دهد، چین درخواست مشابهی از ایران دارد و از قدرت‌های صنعتی گروه هشت می‌خواهد صبر و حوصله پیشه کنند زیرا موضوع هسته‌ای ایران به مرحله حساسی رسیده است. جیانگ یو سخنگوی وزارت امور خارجه چین در جریان یک کنفرانس خبری در پکن اعلام کرد: موضوع هسته‌ای ایران به مرحله حساسی رسیده و امیدواریم ایران با توجه به نگرانی‌های بین‌المللی در سریع‌ترین زمان ممکن به بسته پیشنهادی پاسخ دهد. این در حالی است که ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه از ایران درخواست کرده است با توجه به بن‌بست جاری در برنامه هسته‌ای، مجموعه پیشنهادی را بپذیرد. پوتین با اشاره به این مجموعه گفت: «ما واقعاً تمایل داریم ایران پیشنهادها را بپذیرد.» رئیس جمهور روسیه در بخش دیگری از سخنان خود این نکته را خاطر نشان ساخت که امیدوار است پاسخ تهران تا قبل از برگزاری اجلاس سن‌پترزبورگ اعلام شود. تحلیلگران بر این باورند روسیه با توجه به ریاست دوره‌ای گروه هشت می‌کوشد تا از طرح موضوع در چارچوب اجلاس گروه هشت جلوگیری کند.

سولانا و لاریجانی، عکس: آرشیو AFP

مذاکره سیاسی از منظر منافع ملی

مهدی معتمدی مهر

مقدمه: رابطه یا مذاکره با آمریکا از جمله مسائلی است که حتی از روزهای پیش از پیروزی انقلاب، همواره از سوی محافل و فعالان سیاسی، خبرنگاران و سپس مسئولان مطرح و پیرامون آن پرسش‌ها یا اظهارنظرهایی شده است.

■ **۱- علل سردی روابط**

بخشی از علل سردی روابط، به نقش و خاطره‌ای باز می‌گردد که دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری آیزنهاور با همکاری دولت انگلیس در دهه سی شمسی و در خلال کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی و مردمی دکتر محمد مصدق و به واقع علیه حاکمیت ملت ایران ایفا کرد که در پی آن روند دموکراتیزاسیون در ایران به مدت ۲۵ سال تمام متوقف، دستاوردهای نهضت ملی ایران در خصوص نفت با امضای قرارداد کنسرسیوم ناکام ماند و جو سنگین اختناق و حاکمیتی مطلقه استقرار یافت، بدان سان که فعالین سیاسی، بازداشت و روانه زندان و یا تبعید و در مواردی نیز به اعدام محکوم شدند. کودتای مذکور، علاوه بر نقش تخریبی فوق، در تحقیر و سرکوب غرور ملی ایرانیان نیز تاثیر بسزایی داشت، به ویژه آن که اولاً با تصویب قانون موسوم به کاپیتولاسیون در اوایل دهه چهل شمسی، این شکست روانی و تحقیر اجتماعی، ابعادی گسترده‌تر یافت و دوم آن که دولت‌های بعدی آمریکا نیز هیچ‌گاه درصدد عذرخواهی و حداقل، جبران روانی آسیب‌دیدگان یعنی ملت ایران برنیامدند. از دیگر عوامل بدبینی به دولت آمریکا می‌توان به تاثیرات جنگ سرد و طرح و مقبولیت شعارهای ضدامپریالیستی از سوی محافل و گروه‌های چپ ایرانی اعم از مارکسیست یا مذهبی متاثر از اردوگاه شوروی سابق اشاره داشت که امپریالیست آمریکا را علت‌العلل تمام مسائل و عقب‌ماندگی‌ها و مشکلات جهان سوم از جمله ایران معرفی می‌کردند. به ویژه آن که روابط گرم دولت‌های آمریکا با حکام خودکامه جهان سوم و از جمله دربار ایران که حتی تا ماه‌ها پس از سقوط حکومت سلطنتی ادامه داشت، نیز بر توجیه و اعتبار این گمان‌ها می‌افزود.

بنا به دلایل فوق و فارغ از ارزیابی عقلانی تسخیر سفارت آمریکا، ذکر این نکته ضروری است که قطع رابطه با دولت آمریکا به هر نحو و با هر توجیه و فقط در کوتاه‌ترین زمان ممکن و طرح شعارهای ضدآمریکایی پس از پیروزی انقلاب با خواسته‌های توده‌وار بخش‌هایی از مردم و برخی احزاب فعال همسویی کامل داشت.

■ **۲- نتایج قطع ارتباط**

از همین روست که موج حمایت‌های به عمل آمده از تسخیرکنندگان سفارت، موجبات تسخیر کرسی‌های قدرت سیاسی در داخل ایران را نیز برای ایشان به ارمغان می‌آورد.

■ **۳- مذاکره و رابطه**

۱-۳- تعریف

مذاکره در لغت به معنای گفت‌وگو کردن با کسی است در خصوص موضوعی[1] و رابطه به معنای پیوند و علاقه به کار رفته است.[2] روابط دیپلماتیک، عبارت است از کلیه ارتباطات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که بین دو یا چند دولت از طریق نمایندگان ایشان صورت می‌گیرد.[3] بنابراین نیازی به تاکید نیست که نه در عرصه عام و نه در حیطه روابط سیاسی، هیچ‌گاه مذاکره و رابطه مترادف با هم تلقی نشده‌اند، گو این که هر کدام می‌تواند مقدمه دیگری محسوب شود.

۲-۳- ضرورت

در واقع، نفس مذاکره اعم از سیاسی و غیره، ضرورتی است ناشی از ماهیت زیست جمعی که امروزه از جمله بدیهیات زندگی بشری است، گو این که اسناد تاریخی به‌جامانده از سالیان دور، گواه این حقیقت است که همزمان با پیدایش مفهوم دولت، رابطه میان دولت‌ها نیز به گونه ضرورتی انکارناپذیر نمایان شده و حتی در یونان باستان و ده‌ها قرن پیش از میلاد مسیح نیز چنین روابطی وجود داشته است.

حالا تداوم بیست و شش ساله قطع ارتباط و حتی عدم امکان و نفی هرگونه مذاکره میان دو دولت، چگونه و بر چه اساسی می‌تواند توجیه و تفسیر شود؟

علی‌الاصول در عرف روابط بین‌الملل، قطع رابطه، هیچ‌گاه نشانه قدرت نیست - مانند شرایطی که دولت آمریکا در آن قرار گرفت - و دوم آن‌که قطع رابطه به عنوان تاکتیک و یک عمل مقطعی در راستای گذر از شرایطی خاص یا به منظور دستیابی به هدفی کوتاه‌مدت انجام می‌پذیرد و از این رو تداوم و ارزیابی این مکانیسم و ارتقای آن به مثابه استراتژی نظام، فاقد مبانی کافی و منطق عملی به نظر می‌رسد. تجربه سایر کشورها حتی کشورهایی که با هم جنگ نظامی داشته‌اند نیز نشان‌دهنده همین امر است. به عنوان مثال می‌توان به ایران و عراق اشاره کرد که به رغم جنگ هشت ساله فیمابین، در مدت کوتاهی پس از آتش بس با یکدیگر روابط دیپلماتیک برقرار کردند. در تاریخ اسلام و سنت پیامبر اکرم(ص) و ائمه نیز موارد بسیاری دیده می‌شود که پیامبر، هیچ‌گاه حتی مذاکره با کفار را رد نکرد و بلکه پیمان عظیمی مانند صلح حدیبیه، در مهم‌ترین مناسک مذهبی - حج - اتفاق می‌افتد و یا حضرت علی(ع) پیش از هر سه جنگ معروف خود، با طرفین و حتی با معاویه مذاکره می‌کند.

■ **۴- فقدان ارتباط و منافع ملی**

به نظر می‌رسد که نفی مذاکره، نه تنها نشانه فعال‌گری در عرصه سیاست نبوده که بیانگر نوعی انفعال و هراس و نگرانی از ثبات و وضعیت ناپایدار طرف نفی‌کننده است. ضمن آن که فقدان ارتباط سیاسی میان دو دولت آمریکا و ایران طی بیش از دو دهه، اگرچه در مواردی به سود تندروهای سیاسی در پس زدن رقیب قدرتمند تمام شده اما به هیچ وجه منطبق با منافع ملی دو کشور نبوده است. یکی از مشکلات کنونی در ایجاد ارتباط و انجام مذاکره در ذهن دولتمردان ایرانی مشابه با وضعیت دوران قطع ارتباط است. مشکل دیگر طرف ایرانی، در نداشتن قدرت ارزیابی این مسئله است که آیا در صورت ایجاد مذاکره و یا رابطه، مردم از موضوع حمایت می‌کنند و یا این امر ایشان را به حس انزوا می‌رساند و این دو در نهایت به نوعی تناقض در گفتار و عمل می‌انجامد.

■ **۵- فرصت‌سوزی‌ها**

واقعیت آن است که دو دولت ایران و آمریکا طی سال‌های گذشته و به ویژه در دوران ریاست‌جمهوری آقای خاتمی بهترین امکان مذاکره و التیام آلام گذشته را از دست دادند. دولت آمریکا از فضای به دست آمده در قضیه جنگ افغانستان، به‌رغم همکاری دولت ایران در سقوط طالبان و پایین آوردن هزینه‌های این پیروزی برای آمریکاییان و آقای خاتمی فرصت پیش آمده در مقر سازمان ملل متحد در رویارویی با رئیس جمهور آمریکا و یا عدم پاسخ مناسب در برابر پیام عذرخواهی وزیر امور خارجه آمریکا از ملت ایران راجع به کودتای ۲۸ مرداد را از دست دادند و البته همین فرصت‌سوزی‌های مکرر در تداوم موانع ذهنی دولت و ملت هر دو کشور در ایجاد ارتباط بی‌تاثیر نبوده است.

■ **۶- موانع ایجاد رابطه**

برخی مردم آمریکا شاید به خاطر تحقیری که از دوران گروگان‌گیری چهارصد و چهل و چهار روزه اتباعشان متحمل شدند و البته چه بسا به خاطر دلایل بسیار دیگر، مخالف ایجاد ارتباط با ایران هستند البته این امر نافی تبلیغات همزمان و همسوی نوکان‌ها و لابی صهیونیسم نبوده و در ضمن از سوی دیگر نباید از نظر دور داشت که بخش عمده‌ای از نخبگان و حتی اعضای حزب دموکرات به راه‌حل‌های دیپلماتیک علاقه‌مندی بیشتری نشان می‌دهند، لیکن این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که یک زمان آمریکایی‌ها به مذاکره بی‌قید و شرط اصرار داشتند و حالا آمریکایی‌ها انجام هر گونه مذاکره را منوط به قیودی دانسته و دولت ایران هرگونه قید و شرطی را نفی می‌کند. بی‌تردید یکی از علل این چرخش در مواضع، در ارزیابی دوگانه این دولت‌ها از خواسته ملت‌هایشان در دو برهه زمانی متفاوت ریشه می‌گیرد. با عنایت به موارد فوق، می‌توان نتیجه گرفت که منافع ملی هر دو کشور، بازگوکننده ضرورت گفت‌وگو، حل مشکلات موجود و نهایتاً ایجاد روابط سیاسی میان دو دولت است. از یک سو با توجه به موقعیت و نفوذ ایران در منطقه، آمریکایی‌ها در هیچ یک از طرح‌های سیاسی و اقتصادی خود، بدون حضور ایران نمی‌توانند به موفقیت مطلوب و با هزینه مناسب دسترسی پیدا کنند و از سوی دیگر حفظ نظم سیاسی و رشد و توسعه اقتصادی لازم نیز در ایران جز با حل مشکلات دو کشور امکان‌پذیر نیست و حتی به نظر می‌رسد که ارتباط نزدیک ایران با آمریکا در ارتقای وضعیت وی در منطقه و جایگزینی به عنوان دولت اول به جای ترکیه، دور از تصور نیست. بنابراین با این سئوال اساسی مواجه می‌شویم که چه کسانی از این فقدان روابط سود می‌برند؟ پاسخ این سئوال هر چه باشد، غیر قابل انکار است که منافع جناحی، شخصی، اعتقادی و حتی اقتصادی افرادی که به فضای مفاهمه و گفت‌وگو، لطمات جدی وارد می‌سازند و مانع تحقق این نیاز می‌شوند، ضرورتاً باید جدا از منافع ملی باشد. البته بهتر است که در این میان با تفکیک میان طرف ایرانی و آمریکایی به توضیح مسئله پرداخت: در آمریکا، صهیونیست‌ها و نوکان‌ها با دو انگیزه متفاوت با مذاکره و اصولاً هر اقدامی که به روند صلح خاورمیانه کمک کند، مخالف‌اند. صهیونیست‌ها با علم به این که ایجاد صلح و شکل‌گیری کشور مستقل فلسطینی، در نهایت منجر به محو ایشان و جریانات افراطی اسرائیلی خواهد شد، چرا که از یک سو، رشد بیشتر جمعیت در منطقه هم‌جوار فلسطینی و افزایش آمار کوچ‌کنندگان از اسرائیل به خارج از کشور در تناسب با تعداد کم‌تر مهاجرین و از سوی دیگر فقدان و یا کم‌رنگ شدن آرمان «ارض موعود» در نسل کنونی شهروندان اسرائیلی، بی‌تردید آینده حاکمیت ایدئولوژیک اسرائیل را به خطر می‌اندازد، بر سر ایجاد این فضا سنگ‌اندازی می‌کنند و نوکان‌ها نیز با ترویج اندیشه ظهور مسیح درصورت تقابل جدی میان اعراب و اسرائیل و از موضع بنیادگرایی مذهبی که تشابهات جدی فراوانی با آموزه‌های انجمن حجتیه در ایران دارد با آرمان صلح و آرامش در خاورمیانه، میانه خوبی ندارند. در ایران نیز جریاناتی که تمایلی به ایجاد دموکراسی و تحقق حاکمیت ملت ندارند، موجودیت خود را به طور مستقیم، هم‌سو با دامن زدن به هرگونه بحران و تشنج می‌بینند.

■ **۷- برون‌رفت از بن‌بست**

نیازی به یادآوری ندارد که نخستین شرط گفت‌وگو و متعاقب آن ایجاد روابط، وجود و افزایش روزافزون سطح اعتماد متقابل نه تنها میان دولت‌ها که حتی بین دولت‌ها و ملت‌هاست و از این رو هر یک از دو دولت ایران و آمریکا وضعیتی منحصر به خود دارد. «دولت آمریکا باید از نقش عاملی برای تهدید، عدول کرده و رفتاری متناسب با جایگاه خود در جهان برگزیند. تردیدی نیست که رفتارهای سیاسی دولت بوش در اجماع محافظه‌کاران ایرانی و گزینش نهایی ایشان در جریان دو انتخابات مجلس هفتم و ریاست‌جمهوری نهم تاثیر بسزایی داشت، همان‌طور که برخی، انتخاب فردی مانند جورج بوش دوم به عنوان ریاست‌جمهوری ایالات متحده را سنتز حضور طالبان و بنیادگرایی می‌دانند. دولت ایران نیز باید در عرصه داخلی با بالا بردن شاخص‌های حقوق بشر و دموکراسی در اعتمادسازی نسبت به خود موثرتر عمل کند. فارغ از آن که پیشبرد پروژه دموکراسی و حقوق بشر در خاورمیانه، نیت واقعی دولت‌های غربی باشد یا خیر، به لحاظ روابط موجود پس از جنگ سرد، استانداردسازی در این خصوص جزء لازم‌الاجرای برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایشان عنوان می‌شود و از سویی دیگر، تاسیس نهادی مانند شورای حقوق بشر در راستای تایید این ادعا به نظر می‌رسد. واقعیت آن است که وضعیت و سازوکار امروزین حقوق بشر با دوره کارتر و حتی کلینتون متفاوت است. این شورا در موقعیتی هم سطح با شورای امنیت، امکان رجوع به فصل هفتم منشور،[4] صدور قطعنامه و توسل مستقیم به ابزارهای نظامی و سیاسی را دارا بوده و بنابراین اگرچه شورایی حقوقی است اما به ابزار متنوع‌تری دسترسی دارد و از سویی دیگر دولت ایران نیز برای انجام مذاکره با آمریکا نیاز به پشتیبانی و حمایت وسیع مردمی دارد و چنان‌چه، یأس و بدبینی نسبت به عملکرد دولت در نقض حقوق و آزادی‌های اساسی فردی، اجتماعی و سیاسی در جامعه احساس شود، دولت ایران امکان برخورداری از فضای مناسب داخلی جهت انجام یک مذاکره مطلوب را حداقل در عرصه داخلی در اختیار نخواهد داشت. از سوی دیگر باید توجه داشت که هر مذاکره‌ای، علاوه بر موارد خاص از شرایط عمومی هم تبعیت می‌کند. نظیر آن که هیچ یک از طرفین نباید در موضع ضعف قرار داشته باشند و از این رو لازم است تا دولت ایران پیش از هر اقدامی در ثبات و تحکیم دموکراتیک وضعیت خود در عرصه داخلی و بین‌المللی بکوشد که این امر به دو وسیله انجام می‌شود؛ یکی افزایش ضریب اعتمادسازی که نماد آن ارتقای واقعی استانداردهای حقوق بشر و دموکراسی و اقداماتی نظیر اعلام آشتی ملی است و دوم انتخاب یک تیم مذاکره‌کننده که واجد صلاحیت بوده و از تجربه و دانش لازم در این خصوص برخوردار باشد و از سوی دیگر، این تیم باید به لحاظ نحوه انتخاب نیز مورد پذیرش و اعتماد قرار گیرد. بدیهی است که چنانچه افرادی انتخاب شوند که سابقه روشن و مطلوبی از نظر مردم ندارند، موفقیت مطلوبی به دست نخواهد آمد و طرف ایرانی را در ارزیابی، ابراز خواسته‌ها و انتخاب روش‌های صحیح در وضعیتی دشوار قرار می‌دهد. از سوی دیگر این مذاکرات به منظور برخورداری از پذیرش و اعتماد عمومی باید به طور علنی صورت پذیرد و دولت ایران با تعیین منطقی کف و سقف مطالبات خود وارد عرصه گفت‌وگو شود. در غیر این صورت، بی‌تجربگی و بی‌دانشی همراه با فقدان استراتژی موجبات ضعف و سلب امتیازات را فراهم خواهد آورد.

پی‌نوشت‌ها:

۱ - معین، دکتر محمد: فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵، جلد سوم، ص ۳۹۷۴
۲ - منبع پیشین: جلد دوم، ص ۱۶۸۰
۳ - جاسمی، دکتر محمد و دکتر بهرام: فرهنگ علوم سیاسی، انتشارات گوتنبرگ، جلد دوم، ص۱۳۷
۴ - فصل هفتم منشور ملل متحد:
ماده۴۲ منشور: در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست، می‌تواند به وسیله نیروی هوایی، دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، مبادرت ورزد. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی، دریایی و زمینی اعضای ملل متحد باشد.

نگاه

واجب کفایی

حسین نورانی‌نژاد

فلسطین در آتش و خون می‌سوزد و تقریباً همه مجامع بشردوستانه دنیا نسبت به فجایعی که در این سرزمین در حال وقوع است واکنش نشان داده‌اند. روزی نیست که خبری از کشورهای لائیک و اسلامی و شرقی و غربی در اعتراض مردمی به این حوادث نشنویم و نکته آنکه در ایران کمترین واکنش مردمی حتی در سطح نخبه‌ها و احزاب اصولگرا و غیراصولگرا و تشکل‌های غیردولتی نمی‌بینیم. اتفاقاً من هم که سراغ موضوع فلسطین رفته‌ام، می‌بینیم که خود به خود به سمتی خواهم رفت که نتیجه‌ای خاص و غیرمربوط به فلسطین را بگیرم، متاسفانه! چندی پیش به فاصله دو روز از هم سالگرد درگذشت دکتر شریعتی و دکتر چمران بود. هر سال در ۲۹ خرداد که سالروز درگذشت شریعتی است شاهد سیل نقدها و نوشته‌ها و مراسم‌های مختلف در گوشه و کنار کشور هستیم که به شریعتی می‌پردازند، اما جالب است که درباره رهرو او یعنی چمران که او هم ویژگی‌های زیادی برای جذاب بودن برای نسل‌های دیروز و امروز داشته کم‌تر مراسم مردمی را شاهدیم و سال‌هاست که عادت به شنیدن اخبار مراسم دولتی در ۳۱ خرداد، سالروز شهادت آن مرد بزرگ داریم. درست است که فاصله بین تاثیرگذاری این دو زیاد است، اما قبول کنید که این فاصله به اندازه‌ای نیست که هر ساله تنها متولی بزرگداشت یا نقد شهید چمران محدود به عوامل دولتی شود و آن‌گاه برای شریعتی در عین نقدهای بسیار تندی که در سال‌های اخیر از او می‌شود، تا این اندازه در کشور مراسم مختلف برپا شود. چمران زندگی‌ای داشت که در کنار نحوه مرگش، او را در قامت اسطوره‌ای معاصر برای بسیاری از مردم تصویر کرده اما التفات حاکمیت به او، این گنجینه را از جامعه دور و ناپیدا نگاه داشته است. از این دست مثال‌ها باز هم هست. اصل دین که متولی‌اش حکومت شده به کجا رسیده است و دفاع از دین و دینداری برای متدینین جدا از حکومت چه حکمی دارد؟ از آیین‌های مذهبی که بگذریم - چون حکومت به تبعیت از مردم سراغ این مقوله دیرپا رفته است و نتوانسته متولی آن شود - و نیز احکام فردی که اینها هم شاید ضربه خورده باشند در مورد اصل دین و به خصوص حضور اجتماعی دین یا متدینان در جامعه محذوریت‌ها و موانع ذهنی ایجاد شده از سوی حکومت به مراتب بیشتر از مخالفت‌های نظری است. همین مسئله متاسفانه دامن دفاع از حقوق فلسطینی‌های تحت ستم را هم گرفته است. گویی هیچ کدام از ما وظیفه‌ای برای حداقل اشاره‌ای به آنچه در فلسطین می‌گذرد احساس نمی‌کنیم و مثل همه امور مشابه، دولت را در همدردی و کمک به آنها کافی می‌دانیم.

خبرها

آمادگی آمریکا در مورد تهدید تنگه هرمز

ایسنا: فرمانده ارشد نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس گفت: در صورتی که تنگه هرمز تهدید شود آمریکا جریان آزاد نفت و تجارت در سراسر این تنگه را تضمین خواهد کرد. پاتریک ام والش مسئول فرماندهی مرکزی نیروهای دریایی آمریکا در مصاحبه‌ای تلفنی از منامه - بحرین به رویترز گفت: آنچه شما در اینجا به دنبال آن هستید اعتماد است و برای ارائه فضای باز در تنگه‌ها و اطمینان از اینکه این تنگه آزاد باقی می‌ماند به ما اعتماد کنید. وی افزود: می‌توانم تعهد صریح‌مان را مبنی بر اینکه این هدف و وظیفه ماست به شما اعلام کنم. والش گفت: ما باید بیاناتی را که از سوی ایران مطرح می‌شود بررسی کنیم، اما به روابط ملی و بین‌المللی برای حل این مسئله از طریق کانال‌های دیپلماتیک اعتماد داریم.

سفر رئیس جمهور ارمنستان به ایران

ایسنا: رابرت کوچاریان رئیس جمهور ارمنستان امروز در راس هیاتی بلندپایه وارد تهران خواهد شد. ویکتور سوقومونیان سخنگوی رئیس جمهوری ارمنستان اظهار داشت: در این سفر رئیس جمهور ارمنستان ضمن ملاقات با مقامات عالی‌رتبه ایرانی مهمترین مسائل دوجانبه و منطقه‌ای را با دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران در میان خواهد گذاشت. انتظار می‌رود در این سفر چندین سند همکاری در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، قضایی و فرهنگی میان ارمنستان و ایران به امضا برسد. گفتنی است در این سفر علیرضا حقیقیان سفیر ایران در ارمنستان نیز وی را همراهی می‌کند.

نوبت اول

آگهی مناقصه شماره ۱۵۳

اداره کل راه و ترابری استان تهران برای اجرای پروژه ذیل، پیمانکاران دارای صلاحیت فنی از سازمان مدیریت را جهت بررسی و ارزیابی کیفی دعوت می‌نماید.

موضوع مناقصه:

بهسازی و چهار خطه کردن محور وحیدیه - فرارت به مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بر اساس فهرست بهای راه و باند سال ۸۵ و مبلغ ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه ۵۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال

پیمانکاران واجد شرایط لازم است تا ۱۰ روز پس از انتشار آگهی نسبت به تحویل رزومه شرکت شامل (اساسنامه و روزنامه رسمی و رتبه بندی - لیست افراد تحصیل کرده شرکت - لیست ماشین آلات - لیست کارهای انجام شده - حسن سابقه) به اداره پیمان و رسیدگی اداره کل راه و ترابری استان تهران واقع در خیابان دماوند، بعد از سی متری نارمک، ایستگاه دفتر اقدام نمایند. مدارک دریافت شده، بررسی و متعاقباً برای اخذ اسناد مناقصه دعوت به عمل خواهد آمد. برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی ذیل مراجعه فرمایید.

www.iranets.ir